

۱۸۳

حرف‌های تاریخ و

ماهنامه تخصصی اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب

دوره جدید / شماره مسلسل ۱۸۳

مرداد ۱۳۹۲ / قیمت: ۳۰۰۰ تومان

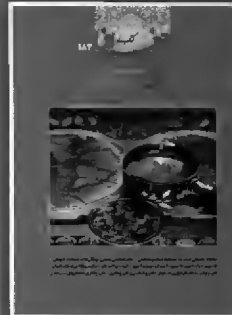


جایگاه تاریخی ایران در سنت‌های شرق‌شناسی ■ خاورشناسی روسی: ویژگی‌ها و سرشت تاریخی ■
نقدی بر اجتماعیون عامیون ■ آموزش دیروز و امروز ■ تاریخ ایراهستان ■ سازمان نظامی هخامنشیان ■
تاریخ ایلام ■ قباله کارگزاری اصفهان ■ تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری ■ تاریخ‌نگاری عبدالرزاق سمرقندی



کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

ماهنامه تخصصی
اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب
شماره مسلسل ۱۸۳



صاحب امتیاز: خانه کتاب

مدیر مسئول: مجتبی سلطانی احمدی

سر دبیر: حبیب‌الله اسماعیلی

هیات تحریریه: دکتر حسن حضرتی، دکتر حسن رضائی
باغبیدی، دکتر مهدی فرهانی منفرد، دکتر حسین مفتخری،

دکتر شهرام یوسفی فر

همکاران علمی نشریه:

دکتر علی خطری، دکتر زهیر صیامیان، دکتر پدرام جم

مدیر داخلی: فاطمه اسماعیلی

دبیر اجرایی: علی موذنی

ویراستار: دکتر پدرام جم

فهرست و چکیده انگلیسی: دکتر پدرام جم

طراح و گرافیکست: معاد طبری

ناظر چاپ: رحمان کیانی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی:

چاپ سروش

مسئول بخش اشتراک و توزیع: بهمن محبی

تلفن بخش اشتراک و توزیع: ۸۸۳۴۲۹۸۵

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین،

شماره ۱۰۸۰ صندوق پستی ۱۳۱۴۵-۳۹۵

تلفن: ۶۶۴۹۶۹۷۷

Website: www.ketabmah.ir

E_mail:

Ketabmah.tarikh@gmail.com

Habiballah_esmaili@yahoo.com

- علل مطالب این نشریه با ذکر مآخذ آزاد است.
- مطالب مندرج در مقالات، متعین کننده دیدگاه نویسندگان است و چاپ آن به منزله نظر رسمی نشریه و «خانه کتاب» نیست.
- مقالات ارسالی نباید در نشریه‌ای دیگر چاپ شده باشند و یا همزمان برای نشریات دیگر فرستاده شوند.
- نشریه در ویرایش و گوناگون مقالات آزاد است.
- مطالبی که برای چاپ مناسب تشخیص داده نشود، عودت نخواهد شد.
- مطالبی که اصول نگارش نشریه در آنها رعایت نشده باشد، برای اصلاح عودت نخواهد شد.

«کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» نشریه‌ای است با هدف اطلاع‌رسانی و نقد و بررسی کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی و کمک به ارتقاء هرچه بیشتر میان پژوهشگران و پدیدآورندگان که به صورت ماهانه از سوی «خانه کتاب» منتشر می‌شود.

«کتاب ماه تاریخ و جغرافیا» بر اساس رده‌بندی دهه‌ی بیست و یکم به نقد و بررسی کتاب‌های حوزه تاریخ و جغرافیا می‌پردازد. در هر شماره نقد و بررسی تعدادی از متون و منابع تاریخ و جغرافیا، معرفی برخی نشریات ادواری این حوزه، بزرگان تاریخ و جغرافیا، پایگاه‌های اینترنتی و اخبار مربوط به این حوزه منعکس می‌شود. در لوح فشرده ضمیمه این نشریه، فهرست کامل کتاب‌های منتشرشده ماه گذشته، که با مجوز فرهنگ و ارشاد اسلامی انتشار یافته و در نظام اطلاع‌رسانی

خانه کتاب وارد شده‌اند، بر اساس رده‌بندی دهه‌ی بیست و یکم می‌باشد. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ضمن سیاست از همه عزیزانی که یاریگر ما بوده‌اند از نویسندگان و مترجمان گرامی درخواست می‌کند به نکات زیر، در تنظیم مقالات، توجه فرمایند.

راهنمای نگارش مقالات کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

۱. محورهای مقالات

- نقد و بررسی کتب تازه منتشر شده در حوزه تاریخ و جغرافیا
- مبانی نظری موضوع هر شماره نشریه (اعلام شده در داخل جلد و به صورت سالانه)
- پیشینه تحقیق و ادبیات موضوع مرتبط با موضوع هر شماره نشریه
- معرفی و تحلیل نسخه خطی و سند تاریخی یا ناخوانده در حوزه تاریخ و جغرافیا
- تحلیل و ارائه دیدگاه جدید از منابع اصلی و دست اول تاریخ و جغرافیا

۲. شیوه‌ی نگارش

- مقالات در نشریه دیگر به چاپ برسیده و یا همزمان برای نشریات دیگر ارسال نشده باشند.
- در ابتدای مقاله، چکیده فارسی در قالب ۲۵۰ - ۳۰۰ کلمه ارائه شود.
- واژگان کلیدی مقاله در ۳ - ۸ کلمه تهیه شود.
- مقاله شامل عنوان، مقدمه، مواد و روش‌ها، بحث نتیجه‌گیری و منابع باشد.

۳. شیوه‌ی تنظیم

- مقالات به صورت تایپ‌شده بر روی کاغذ A4 و با واژه پرداز word و در دو نسخه ارائه شود. ارسال لوح فشرده مقالات الزامی است.
- در صفحه اول، عنوان کامل مقاله به فارسی و انگلیسی، نام و نام خانوادگی، رتبه و سمت علمی و آدرس و شماره تلفن نویسنده یا نویسندگان مقاله ذکر شود.
- در مقالاتی که نقد یک کتاب هستند در ابتدای مقاله مشخصات کتاب‌شناختی اثر مورد بررسی به این ترتیب ذکر شود: عنوان اصلی و فرعی اثر؛ نام و نام خانوادگی صاحب اثر؛ نام و نام خانوادگی مترجم (برای کتاب‌های ترجمه شده)؛ محل نشر، نام ناشر، نوبت و سال چاپ، تعداد صفحات، شابک.
- جدول حذف‌ها و تصاویر مرتبط با کتاب به مشخصات کامل و با فرمت JPEG (در صفحه word) قابل استفاده نیست ارسال شوند.
- معادل غیرفارسی نام، واژه‌ها و اصطلاحات به صورت پی‌نوشت و در انتهای مقاله آورده شود.
- رونوشت اصلی متون ترجمه شده، همراه با اطلاعات کامل کتاب شناختی متنی اصلی ارسال شود.

۴. شیوه‌ی ارجاع

- ارجاعات داخلی متن، درون پرانتز و به ترتیب زیر خواهد بود: نام نویسنده، سال انتشار اثر، شماره صفحه، مثال: (پیرنیا، ۱۳۸۱، ص ۸۰).
- اطلاعات کامل اثر در صفحه‌ای جداگانه تنظیم و به ترتیب زیر نگارش شود
- مقاله نام خانوادگی نویسنده(گان)، نام نویسنده(گان)، سال انتشار، عنوان مقاله (با حروف ایرانی)، نام و نام خانوادگی مترجم (در صورتی که مقاله ترجمه شده باشد)، نام اختصاری مجله، سال انتشار، نام مجله، دوره مجله، شماره مجله، شماره صفحات، مثال: یاسمی، رشید، ۱۳۱۳: «فکر و روش در»، مهر، س ۲، ش ۷، صص: ۴۰-۲۵.
- کتاب نام خانوادگی نویسنده(گان)، سال انتشار، عنوان کتاب (با حروف سیاه)، شماره چاپ، شماره جلد، شماره محل انتشار، نام ناشر، مثال: بامداد، مهدی، ۱۳۳۷، تاریخ رجال ایران: چاپ اول، جلد ۲، تهران: انتشارات زوار.
- ارجاع به پایگاه اینترنتی، نشانی + تاریخ دقیق بازدید

۵. طول مطالب

- طول مطالب بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ واژه در واژه‌پرداز word باشد.

۶. زمان انتشار منابع انتخاب شده برای نقد و بررسی، حداکثر دو سال گذشته و چاپ اول باشد

برنامه‌ی مصوب شش ماه اول سال ۱۳۹۲ کتاب ماه تاریخ و جغرافیا

بهار:

- فروردین: تکاپوهای استعماری در خلیج فارس
- اردیبهشت: تاریخ شفاهی و رویکردهای میان رشته‌ای
- خرداد: آنا‌تولی و قفقاز و فرهنگ ایرانی-اسلامی

تابستان:

- تیر: سنج‌شناسی تاریخ نگاری دوره میانه ایران (مفول- تیموری)
- مرداد: ایران و اسلام در سنت‌های شرق‌شناسی
- شهریور: دواستد تاریخ و فلسفه



سرستخن

جایگاه تاریخی ایران دو سنت‌های شرق‌شناسی / دکتر ناصر صدقی ۲

نشست

سنت‌های شرق‌شناسی در مطالعات اسلامی ایرانی / دکتر داریوش رحمانیان و دکتر ابراهیم توفیق ۱۰

نظركاه

ایران‌شناسی: تعامل و تفاوت رویکردها با اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی / دکتر محسن الویری ۲۴
خاورشناسی روسی: ویژگی‌ها و سرشت تاریخی / دکتر جواد مرشدلو ۳۱
ایران‌شناسی و شرق‌شناسی: از پنجره تا آینه / رضا دبیری‌نژاد ۳۷

کنکاش

تقدی بر اجتماعيون عاميون / مسعود عرفانیان ۴۳
جدایی تالش شمالی از ایران / اسید رضا حسینی ۴۸
آموزش دیروز و امروز / زهرا حاتمی ۵۳
تاریخ ایواستان / مصطفی ابراهیمی ۵۸

بازتاب

سازمان نظامی هخامنشیان / یزدان صفایی ۶۳
قباله کارگزاری اصفهان / علی رستم‌نژاد نشلی ۶۷
تاریخ‌شناسی و تاریخ‌نگاری / مرجان مهدوی مقدم ۷۱
تاریخ ایلام / ابراهیم بوچانی ۷۵

تاریخنکاران

تاریخ‌نگاری عبدالرزاق سمرقندی / مریم ارجح ۸۲

پرتوهای تلالس

بازرگان مجموعه دار / زهرا رحیمی ۸۶
پوشاک ایرانی / مریم شاه‌حسینی ۸۹
زندگی و مبارزات حاج هاشم‌امانی / مجتبی سلطانی احمدی ۹۲

همین ماه

کوتاه از تاریخ ۹۶
پیشخوان انگلیسی ۹۷
پیشخوان فارسی ۱۰۰

چکیده انگلیسی

..... ۱۰۲

سازمان نظام هخامنشیان

یزدان صفایی



ارتش ایران هخامنشی
نویسنده: دانکن هد
مترجم: محمد آقاچری
مشخصات نشر: تهران، ققنوس، ۱۳۹۱، ۱۵۰ صفحه.

کتاب ارتش ایران هخامنشی، به قلم دانکن هد و به ترجمه‌ی محمد آقاچری، در سال ۱۳۹۱ از سوی انتشارات ققنوس به چاپ رسیده است. کتاب شامل مقدمه، زمینه‌ی تاریخی، منابع، سازمان نظامی، جامه‌های پارسی و مادی، سربازان ایرانی، سربازان بیگانه، آماده‌سازی ارتش، ارتش در جنگ، آرایش سپاه، کتاب‌شناسی و نمایه است.

نگارنده در مقدمه با اشاره به تسلط امپراتوری هخامنشی بر شرق نزدیک و مدیترانه‌ی خاوری، ترسیم تصویر درستی از سازمان نظامی هخامنشی را ممکن می‌داند (ص ۷). در «زمینه‌ی تاریخی» می‌خوانیم که پارس‌ها پیش از اوج‌گیری، تحت حاکمیت مادها بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی ایشان، تحت‌تأثیر مادها بوده است (ص ۸). در ادامه، مختصراً تاریخچه‌ی امپراتوری از کورش بزرگ تا داریوش سوم و سقوط امپراتوری توسط مقدونی‌ها شرح داده شده است (صص ۸-۱۴).

نویسنده، «منابع» تاریخ نظامی هخامنشی را ناهمگون می‌داند. تاریخ‌نگاری اندک ایرانیان باعث آنکا به مورخان یونانی است. نخستین آن‌ها هرودوت است که باید با احتیاط خوانده شود. آناکسیس اثر «گزنقون»، «روایتی عینی از شورش کورش کوچک و بازگشت مزدوران یونانی است». دیودور از دیگر نویسندگان یونانی است. برخی بخش‌های عهد عتیق، گل‌نوشته‌ها و رویدادنامه‌های بابلی و پاپیروس‌های مصری، سنگ‌نوشته‌ها و گل‌نوشته‌های اداری تخت‌جمشید از دیگر منابع نویسنده بوده‌اند. افزون بر این منابع نوشتاری، آثار هنری کاخ‌های شاهنشاهان و هم‌چنین مهرهای ایرانی و سفال‌نگاری‌های یونانی برای نگارش این کتاب مورد توجه بوده‌اند (صص ۱۶-۱۵).

فصل بعدی با عنوان «سازمان نظامی»، پنج بخش دارد. در بخش یکم، با عنوان «فرماندهی»، می‌خوانیم که شاه در قلب سازمان نظامی جای داشت اما نمی‌توانست همه‌ی نبردها را رهبری کند. نبردهای کوچک محلی را شهریان‌ها (ساتراپ‌ها) فرماندهی می‌کردند. نبردهای مهم‌تر را اشراف بلندپایه‌ی پارسی فرماندهی می‌کردند؛ البته این قاعده همیشگی نبوده است. برای مثال دافرشیش ارمنی، داریوش را در سرکوب شورش‌های یاری رساند. پرچم جنگی به منزله‌ی نشان فرمانده استفاده می‌شد (صص ۱۸-۱۶).

بخش دوم این فصل، به «آموزش‌های نظامی پارس‌ها» اختصاص دارد.

در کتاب **گزنفون**، مورخ یونانی، می‌خوانیم که پارسی‌ها به شکار چون شیوه‌ای برای آموزش جنگ می‌نگریستند استرابو از آموزش جوانان با نیزه و کمان و فلاخن می‌گوید (ص ۱۹). «یگان‌های پاسداران» عنوان بخش بندی این فصل است. شاه را دو یگان همراهی می‌کردند که هر یک متشکل از یک‌هزار سوار برگزیده‌ی پارسی بودند. دو یگان پیاده‌نظام نیز وجود داشت. سپاه جاویدان ده‌هزار تن از پیاده‌نظام پارسی بوده‌اند. این واحد را چنین می‌نامیدند چون به گونه‌ای تغییرناپذیر در همین سطح از قدرت نگاه داشته می‌شد و جای خالی افراد کشته‌شده یا مریض بلافاصله پر می‌شد. نقوش شوش را عموماً از آن سپاه جاویدان می‌دانند از سپاه جاویدان پس از خشایارشا نامی برده نمی‌شود. به واسطه‌ی آریان و دیودور از برخی یگان‌های پاسدار در زمان داریوش سوم مطلع هستیم (صص ۲۱-۲۲).

نویسنده در بخش «سربازان استان‌ها» از ارتش مردمی داریوش بزرگ که در پارسی باستان «کاره» خوانده شده، یاد می‌کند و آن‌ها را نیروهای ذخیره‌ای می‌داند که زمینی را در ازای خدمت نظامی در دست داشته‌اند (ص ۲۴).

امپراتوری از استان‌هایی تشکیل می‌شد که آن‌ها را ساتراپی می‌خوانده‌اند. این ساتراپی‌ها، نیروهای نظامی و بومی خود را گرد می‌آوردند. حاکمان زیردست ممکن بود سربازان منطقه‌ی خود را فرماندهی کنند. بیش‌تر آن‌ها یگان‌هایی از پاسداران شخصی داشتند (صص ۲۴-۲۵). سربازان پادگان‌ها را معمولاً مزدوران یونانی تشکیل می‌دادند، اما این موضوع همیشگی نبوده است. **گزنفون** در کتاب **آبالیسیس** به مزدوران ارمنی، ماردی و خالدی اشاره کرده است. ارتش ایران هخامنشی عموماً چندملیتی تصویر شده است (صص ۳۱-۳۰).

در بخش آخر از این فصل به سازماندهی یگان‌ها پرداخته شده است. یگان‌های نظامی، تقسیمات ده‌تایی داشته‌اند. اشاراتی مانند هنگ‌های ده‌هزار نفره در منابع یونانی، «متا» یا صدگان‌ها در پاپیروس آرامی از مصر، و واژه‌ی پارسی «هزارپد» (hazarpatis) مؤید این تقسیمات ده‌تایی هستند (ص ۲۵).

عنوان فصل بعدی، «جامه‌های پارسی و مادی» است. دو نوع جامه در میان پارسی‌ها محبوب بود؛ یکی جامه‌ی بلند و گشاد و دیگری پیراهن آستین‌بند، شلوار و کلاه که آن‌ها را به ترتیب پارسی و مادی می‌نامند (ص ۲۶). جامه‌ی بلند یا به اصطلاح «لباس پارسی» را پاسداران منقوش بر کاشی‌های لمبادار شوش، شاه، نگهبانان، اشراف، مقامات رسمی و خدمتکاران در سنگ‌نگارهای تخت‌جمشید به تن دارند (ص

۳۷). به گفته‌ی **هروذت** جامه‌های مادی را پارس‌ها و مادها هر دو برای جنگ به تن می‌کرده‌اند؛ عقیده‌ای که منابع هنری متعدد، آن را تأیید می‌کنند (ص ۳۸). در نگاره‌های تخت‌جمشید دو نوع کلاه همراه با جامه‌های مادی دیده می‌شود (صص ۳۹-۳۸). بالاپوش آستین‌دار را گاه با جامه‌های مادی به تن می‌کرده‌اند (ص ۳۹). خود شاهان، هم در جامه‌های پارسی تصویر شده‌اند هم در جامه‌های مادی (ص ۴۲). پوشیدن تیاری راست، آن گونه که **گزنفون** می‌گوید و در موزاییک ایسوس نشان داده می‌شود، نشان ویژه‌ی خاندان سلطنتی بود (ص ۴۳). عنوان فصل بعدی، «سربازان ایرانی» است. نویسنده در بخش یکم این فصل، به «تختین پیاده‌نظام هخامنشی» می‌پردازد. تجهیزات مادها و پارس‌ها را **هروذت** توصیف کرده است. آن‌ها به جای سپرهای گرد یونانی، سپرهایی ترکه‌بافت دارند. نگهبانان برجسته‌کاری‌های آبادانا در تخت‌جمشید از روزگار داریوش اول، نیزه، کمان و سپر را نشان می‌دهند اما کسی همه‌ی این تجهیزات را با هم ندارد برخی نیزه و کمان دارند در حالی که دیگران نیزه و سپر حمل می‌کنند اما کمان ندارند (صص ۴۴-۴۴). در درگاه‌های ساختمان‌های تخت‌جمشید، جفت‌هایی از نگهبانان در جامه‌های پارسی نقش شده‌اند، نگهبان نخست، نیزه و سپر مستطیلی بزرگی را که از نوارهای عمودی ساخته شده است، حمل می‌کند و نگهبان دوم، تنها نیزه دارد (ص ۴۹).

در دوره‌ی هخامنشی از نیزه‌داران سپردار برای محافظت از کمانداران استفاده می‌شد که البته چیز تازه‌ای نبود. چنین یگان‌هایی در طی سده‌ها، هسته‌ی اصلی سپاهیان آشوری و بابلی را شکل می‌داد (ص ۵۲). نویسنده در پایان این بخش، وضعیت جامه و سلاح سربازان غیرپارسی را تشریح کرده است (صص ۵۴-۵۴).

در بخش «تختین سوارنظام هخامنشی» می‌خوانیم که سوارنظام، کلاه‌خودهایی از مفرغ چکش‌کاری‌شده یا آهن داشتند. مدرکی برای تأیید این گفته‌ی **گزنفون** که کوروش پس از سرنوشتی مادها، سوارنظام را سامان داد، موجود نیست (صص ۵۸-۵۶). به گفته‌ی **هروذت**، سوارنظام علاوه بر کلاه‌خود، زره‌های فلز دار به تن می‌کرد هرچند از همین مورخ می‌دانیم که ساگارتی‌ها هیچ زرهی به تن نمی‌کردند و تنها جنگ‌افزارشان خنجر و کمان بوده است (ص ۵۸).

عنوان بخش بعدی «تحوالات بعدی سوارنظام» است. پس از جنگ‌های ایران و یونان، سوارنظام پارس شواخ جدیدی از جنگ‌افزار و تجهیزات را پدید آورد (صص ۵۹-۶۰). ناپدید شدن سوارنظام در استان‌های غربی (ص ۶۰)، تجهیز برخی از سربازان با شمشیرها و

پارس‌ها پیش از اوج‌گیری، تحت حاکمیت مادها بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی ایشان، تحت‌تأثیر مادها بوده است

در کتاب گزنفون، مورخ یونانی، می‌خوانیم که پارسی‌ها به شکار چون شیوه‌ای برای آموزش جنگ می‌نگریستند استرابو از آموزش جوانان با نیزه و کمان و فلاخن می‌گوید (ص ۱۹). «یگان‌های پاسداران» عنوان بخش بندی این فصل است. شاه را دو یگان همراهی می‌کردند که هر یک متشکل از یک‌هزار سوار برگزیده‌ی پارسی بودند. دو یگان پیاده‌نظام نیز وجود داشت. سپاه جاویدان ده‌هزار تن از پیاده‌نظام پارسی بوده‌اند. این واحد را چنین می‌نامیدند چون به گونه‌ای تغییرناپذیر در همین سطح از قدرت نگاه داشته می‌شد و جای خالی افراد کشته‌شده یا مریض بلافاصله پر می‌شد. نقوش شوش را عموماً از آن سپاه جاویدان می‌دانند از سپاه جاویدان پس از خشایارشا نامی برده نمی‌شود. به واسطه‌ی آریان و دیودور از برخی یگان‌های پاسدار در زمان داریوش سوم مطلع هستیم (صص ۲۱-۲۲).

نویسنده در بخش «سربازان استان‌ها» از ارتش مردمی داریوش بزرگ که در پارسی باستان «کاره» خوانده شده، یاد می‌کند و آن‌ها را نیروهای ذخیره‌ای می‌داند که زمینی را در ازای خدمت نظامی در دست داشته‌اند (ص ۲۳).

امپراتوری از استان‌هایی تشکیل می‌شد که آن‌ها را ساتراپی می‌خوانده‌اند. این ساتراپی‌ها، نیروهای نظامی و بومی خود را گرد می‌آورده‌اند. حاکمان زیردست ممکن بود سربازان منطقه‌ی خود را فرمادهی کنند. بیش‌تر آن‌ها یگان‌هایی از پاسداران شخصی داشتند (صص ۲۴-۲۵). سربازان پادگان‌ها را معمولاً مزدوران یونانی تشکیل می‌دادند، اما این موضوع همیشگی نبوده است. گزنفون در کتاب آتاپسیس به مزدوران ارمنی، ماردی و خالدی اشاره کرده است. ارتش ایران هخامنشی عموماً چندملیتی تصویر شده است (صص ۳۱-۳۰).

در بخش آخر از این فصل به سازماندهی یگان‌ها پرداخته شده است. یگان‌های نظامی، تقسیمات ده‌تایی داشته‌اند. اشاراتی مانند هنگ‌های ده‌هزار نفره در منابع یونانی، «متا» یا صدگان‌ها در پاپیروس آرامی از مصر، و واژه‌ی پارسی «هزارپد» (hazarpatis) مؤید این تقسیمات ده‌تایی هستند (ص ۲۵).

عنوان فصل بعدی، «جامه‌های پارسی و مادی» است. دو نوع جامه در میان پارسی‌ها محبوب بود؛ یکی جامه‌ی بلند و گشاد و دیگری پیراهن آستین‌بند، شلوار و کلاه که آن‌ها را به ترتیب پارسی و مادی می‌نامند (ص ۲۶). جامه‌ی بلند یا به اصطلاح «لباس پارسی» را پاسداران منقوش بر کاشی‌های لمبادار شوش، شاه، نگهبانان، اشراف، مقامات رسمی و خدمتکاران در سنگ‌نگارهای تخت‌جمشید به تن دارند (ص

۳۷). به گفته‌ی هرودت جامه‌های مادی را پارس‌ها و مادها هر دو برای جنگ به تن می‌کرده‌اند؛ عقیده‌ای که منابع هنری متعدد، آن را تأیید می‌کنند (ص ۳۸). در نگاره‌های تخت‌جمشید دو نوع کلاه همراه با جامه‌های مادی دیده می‌شود (صص ۳۹-۲۸). بالاپوش آستین‌دار را گاه با جامه‌های مادی به تن می‌کرده‌اند (ص ۳۹). خود شاهان، هم در جامه‌های پارسی تصویر شده‌اند هم در جامه‌های مادی (ص ۴۲). پوشیدن تیاری راست، آن گونه که گزنفون می‌گوید و در موزاییک ایسوس نشان داده می‌شود، نشان ویژه‌ی خاندان سلطنتی بود (ص ۴۳). عنوان فصل بعدی، «سربازان ایرانی» است. نویسنده در بخش یکم این فصل، به «تختین پیاده‌نظام هخامنشی» می‌پردازد. تجهیزات مادها و پارس‌ها را هرودت توصیف کرده است. آن‌ها به جای سپرهای گرد یونانی، سپرهایی ترکه‌بافت دارند. نگهبانان برجسته‌کاری‌های آبادان در تخت‌جمشید از روزگار داریوش اول، نیزه، کمان و سپر را نشان می‌دهند اما کسی همه‌ی این تجهیزات را با هم ندارد برخی نیزه و کمان دارند در حالی که دیگران نیزه و سپر حمل می‌کنند اما کمان ندارند (صص ۴۴-۴۶). در درگاه‌های ساختمان‌های تخت‌جمشید، جفت‌هایی از نگهبانان در جامه‌های پارسی نقش شده‌اند، نگهبان نخست، نیزه و سپر مستطیلی بزرگی را که از نوارهای عمودی ساخته شده است، حمل می‌کند و نگهبان دوم، تنها نیزه دارد (ص ۴۹).

در دوره‌ی هخامنشی از نیزه‌داران سپردار برای محافظت از کمانداران استفاده می‌شد که البته چیز تازه‌ای نبود. چنین یگان‌هایی در طی سده‌ها، هسته‌ی اصلی سپاهیان آشوری و بابلی را شکل می‌داد (ص ۵۲). نویسنده در پایان این بخش، وضعیت جامه و سلاح سربازان غیرپارسی را تشریح کرده است (صص ۵۴-۵۳).

در بخش «تختین سوارنظام هخامنشی» می‌خوانیم که سوارنظام، کلاه‌خودهایی از مفرغ چکش‌کاری‌شده یا آهن داشتند. مدرکی برای تأیید این گفته‌ی گزنفون که کوروش پس از سرنوشتی مادها، سوارنظام را سامان داد، موجود نیست (صص ۵۸-۵۶). به گفته‌ی هرودت، سوارنظام علاوه بر کلاه‌خود، زره‌های فلز دار به تن می‌کرد هرچند از همین مورخ می‌دانیم که ساگارتی‌ها هیچ زرهی به تن نمی‌کردند و تنها جنگ‌افزارشان خنجر و کمان بوده است (ص ۵۸).

عنوان بخش بعدی «تحولات بعدی سوارنظام» است. پس از جنگ‌های ایران و یونان، سوارنظام پارس شواخ جدیدی از جنگ‌افزار و تجهیزات را پدید آورد (صص ۵۹-۶۰). ناپدید شدن سوارنظام در استان‌های غربی (ص ۶۰)، تجهیز برخی از سربازان با شمشیرها و

پارس‌ها پیش از اوج‌گیری، تحت حاکمیت مادها
بوده‌اند و احتمالاً سازمان‌های اداری و نظامی
ایشان، تحت‌تأثیر مادها بوده است



تصویری از سربازان هخامنشی

به عنوان وسایل نقلیه‌ی فرماندهی استفاده می‌شده‌اند (صص ۷۸-۷۷). از گردونه‌های داس‌دار نخستین بار در جنگ کوناکسا یاد می‌شود (ص ۷۹). پرتاب‌کننده‌ها از ابتکارهای واپسین سال‌های حکومت هخامنشی بوده‌اند از منجنیق‌ها برای دفاع از شهرهای هالیکارناسوس، صور و غزه در مقابل اسکندر و نیز از دروازه‌های پارس در استان فارس استفاده شد (ص ۸۳).

در فصل بعدی، مؤلف به «سربازان بیگانه» می‌پردازد، چراکه چندملیتی بودن را از ویژگی‌های قابل توجه ارتش ایران می‌داند (ص ۸۳). این فصل، شش بخش دارد. بخش یکم، مربوط به «سکاها» است که گروهی نیرومند از قبایل چادرنشین بوده‌اند (ص ۳۸). پیش‌تر سواره‌نظام سکایی، کمانداران سبک‌اسلحه بوده‌اند (ص ۸۴). نمونه‌ی تیرهای سه‌پیر مفرغی متمایزی که قبایل چادرنشین استپ به کار می‌بردند در سرتاسر

امپراتوری ایران دیده شده است (ص ۸۵).

بخش دوم مربوط به «هندی‌ها» است که از زمان داریوش یکم به تابعیت هخامنشیان درآمدند (ص ۸۶). هندی‌ها برای ارتش خشایارشا، سربازان پیاده و سواره تدارک دیدند. گناری‌ها و پاکتی‌ها دو گروه از این

نیزه‌های بلندتر در جنگ گوگمل (ص ۶۰)، انتخاب نیم‌زره برای اسب‌ها (ص ۶۰)، و آرنج‌بان برای سواره‌نظام سنگین‌اسلحه (ص ۶۳)، از جمله‌ی این تحولات بوده‌اند.

در بخش «تحولات بعدی پیاده‌نظام» متوجه می‌شویم که نخستین تغییر این گونه بوده است که برخی کمانداران پارسی در هنر یونانی با سپرهای هلالی، همانند سپرهای یونانی تصویر می‌شدند (ص ۶۹). اما پیاده‌نظام نیزه‌دار بی‌جوشن با سپری سبک از حدود نیمه‌ی سده‌ی پنجم ق م در نقوش یونانی پدیدار می‌شود (ص ۷۰). از پایان سده‌ی پنجم ق م به تدریج از فلاخن‌اندازان پارسی سخن گفته می‌شود (ص ۷۲). گروهی از سربازانی که «کاراداکه» نامیده می‌شوند در سده‌ی چهارم ق م در سپاه دیده می‌شوند. اینان در واقع سربازان سبک‌سیر بوده‌اند (ص ۷۳).

بخش بعدی این فصل، «شترها، گردونه‌ها و منجنیق‌ها» نام دارد. شتر در ارتش هخامنشی برای اولین بار در زمان کوروش بزرگ برای ترساندن و زماندن اسپان سپاه لیدیه به کار رفت (ص ۷۷). گردونه‌های جنگی داس‌دار از پایان سده‌ی پنجم ق م بخش عادی از سپاه بوده‌اند که احتمالا

شتر در ارتش هخامنشی برای اولین بار در زمان کوروش بزرگ برای ترساندن و زماندن اسپان سپاه لیدیه به کار رفت

هخامنشیان

است. در بخش یکم، «نیروی تهاجمی خشایارشا» ۴۸۰ پ.م. بحث شده است. جدول‌هایی بر اساس ملیت و تجهیزات و نام فرمانده در سه رده‌ی پیادمنظام، سوارمنظام و نیروی دریایی تهیه شده است (صص ۱۲۶-۱۲۵). نویسنده در خصوص ارقامی که هرودت برای ارتش خشایارشا نقل کرده، تردیدهایی جدی مطرح کرده است (صص ۱۲۹-۱۲۷). نبرد «پلاته» ۴۷۹ پ.م. عنوان بخش بعدی است. در این بخش نیز درباره‌ی ارقام مربوط به نیروی تحت فرمان مردونیوس تردید شده (صص ۱۳۰-۱۲۹). و جدولی مشابه جدول بخش پیشین ارائه شده است (ص ۱۳۰).

«کوناکسا» ۴۰۱ پ.م. عنوان بخش بعدی است. ابتدا آماری که گزنفون گزارش می‌دهد، ارائه شده است (ص ۱۳۱). اما نگاه نقادانه‌ای که در دو بخش پیشین درباره‌ی آمار و ارقام وجود داشت، در این جا دیده نمی‌شود (صص ۱۳۲-۱۳۱).

«توفراداتس در کاپادوکیه» ۳۶۷ پ.م. بخش چهارم این فصل است که مربوط به سرکوب شورش داتام توسط اوتوفراداتس است. در این بخش نیز آمار و ارقام مربوط به این جنگ ارائه شده است (صص ۱۳۳-۱۳۲).

بخش پنجم «حمله به مصر در ۳۵۱ پ.م. است. این نبرد در زمان اردشیر سوم روی داده است. نویسنده به گزارش دیودور از آن می‌پردازد (صص ۱۳۴-۱۳۳).

«گرانیکوس» ۳۳۴ پ.م. نام بخش ششم این فصل و اولین نبرد هخامنشیان با اسکندر است. ترتیب سواران صفوف سوارمنظام که دیودور گزارش کرده در جلوی ارائه شده است (ص ۱۳۴).

«ایسوس» ۳۳۳ پ.م. هفتمین بخش فصل و دومین نبرد با اسکندر است. درباره‌ی شمار افراد ارتش هخامنشی در این نبرد توافقی وجود ندارد. نویسنده گزارش‌های آریان و کورتیوس را با یکدیگر مقابله کرده است (ص ۱۳۵).

در بخش آخر، یعنی «گوگمل» ۳۳۱ پ.م. به ارائه‌ی فهرست یگان‌های داریوش سوم در آخرین نبردش با اسکندر پرداخته شده است که توسط آریان، کورتیوس و دیودور گزارش شده است. از جناح چپ راست و مرکز سپاه، جداگانه فهرست‌هایی تهیه شده است (صص ۱۳۸-۱۳۵).

کتاب با فهرست کتاب‌شناسی که به دو دسته‌ی منابع باستانی و معاصر تقسیم شده (صص ۱۴۰-۱۳۹) و فهرست نمایه (صص ۱۴۳-۱۵۰) که امکان جست‌وجوی بیش‌تر در متن را فراهم کرده، به پایان می‌رسد. به عنوان سخن پایانی باید اشاره کرد که ۴۶ تصویری که در کتاب وجود دارد و توضیحات نسبتاً مفصلی که زیر آن‌ها نوشته شده، برای خواننده این امکان را فراهم آورده است که درکی بصری از مندرجات و توصیف‌های کتاب به دست آورد. همچنین هشت لوح دیگر (صص ۸۸-۱۰۲) به این منظور به کتاب افزوده شده است.

پی‌نوشت

۱. مشخصات کتاب اصلی چنین است:

Head, Duncan (1992). *The Achaemenid Persian Army*, Montvert Publications.

هندی‌ها بوده‌اند (صص ۸۷-۸۶). در نبرد گوگمل پانزده فیل همراه با گروهی از سوارمنظام هندی در ارتش ایران به کار گرفته شدند (ص ۸۷). بخش بعدی، «بابلی‌ها، سریانی‌ها و اعراب» نام دارد. اشیل، در نمایشنامه‌ی یاسین، از کمانداران بابلی یاد می‌کند (ص ۱۰۴). شهرهای فنیقی و فلسطینی در ۴۸۰ ق.م برای خشایارشا، کشتی فراهم ساختند (ص ۱۰۴). سوارمنظامی از سوریه در گوگمل حاضر بوده است (ص ۱۰۵). کمپوچیه هنگام حمله به مصر از همکاری شاه اعراب مطمئن شد (ص ۱۰۷). عرب‌ها در ۴۸۰ ق.م کمانداران پیاده و شترسوار را برای خشایارشا فراهم کردند. پارس‌ها احتمالاً گروه دیگری از اعراب، یعنی «مکا»، را نیز تحت فرمان خود داشتند (صص ۱۰۸-۱۰۷).

بخش بعدی این فصل، «آفریقای شمالی» است. مصر، پیش از فتح، دارای سوارمنظام بود اما به نظر می‌رسد که پارس‌ها در مصر تنها به گردآوری پیادمنظام و کشتی پرداخته‌اند (ص ۱۰۸). سریانیان از لیبی در فهرست ارتش در سال ۴۸۰ ق.م دیده می‌شوند. آن‌ها پیادمنظام زوبین‌انداز و گروته را فراهم آوردند (صص ۱۰۹-۱۰۸).

در بخش «مردم آتاتولی» می‌خوانیم که این قسمت از امپراتوری تعداد اندکی سوارمنظام فراهم می‌آورد اما از پایان سده‌ی پنجم، سواران یافلاگونی در ارتش‌های پارسی به گونه‌ای چشمگیر حضور یافتند (ص ۱۰۹). هرودت در فهرست خود از لیدی‌ها با سلاح‌های یونانی یاد می‌کند. دریانوردان کاریه‌ای در نبرد ۴۸۰ ق.م به شیوای یونانی مجهز بودند (صص ۱۱۰-۱۰۸). لوکیه‌ای‌ها در بیش‌تر دوره‌ی هخامنشی، وفادارانه با ساتراپ‌های پارسی لیدی و کاریه همکاری می‌کردند (ص ۱۱۴).

در آخرین بخش این فصل، یعنی «یونانی‌ها»، با خدمات ایشان به ارتش پارسی آشنا می‌شویم. پیستوتس، ساتراپ لیدی در ۴۱۶ ق.م، اولین بار از ایشان به عنوان مزدور استفاده کرد (ص ۱۱۵). پس از او، بیش‌تر ساتراپ‌های غربی، نیرویی از مزدوران یونانی را در خدمت داشتند. بیش‌تر این سربازان یونانی، «هوپلیت» بودند. پارس‌ها، ایفیکراتس، فرماندهی بزرگ آنتی سیکسیر، را در کوشش برای بازپس گیری مصر به خدمت گرفتند (صص ۱۱۶-۱۱۵).

فصل بعدی به «آمادسازی ارتش» اختصاص داده شده است. ویژگی شیوه‌ی جنگی هخامنشی‌ها، سازماندهی و برنامه‌ریزی عالی بود که برای گردآوری نیروها در سرزمینی چنان ناهم‌گون ضروری می‌نمود (ص ۱۱۶). در این فصل اتکای نویسنده بیش از پیش به منابع یونانی است. بنابراین ارتش هخامنشی را بدون نظم و کاملاً درهم‌ریخته و مملو از اثاثیه‌ی مجلل می‌داند (صص ۱۱۷-۱۱۶). تا جایی که همراهان غیرنظامی قشون، پرتعدادتر از همراهان نظامی دانسته شده است (ص ۱۱۸).

فصل بعدی، «ارتش در جنگ» است. فرماندهان پارسی ترجیح می‌دادند تا میدان نبرد را پاک و مسطح کنند (ص ۱۲۰). پارس‌ها اغلب در دو ردیف به صف می‌شدند (ص ۱۲۱). سوارمنظام، با وجود اهمیت خود، ظاهراً نیرویی کمکی برای پیادمنظام بود (ص ۱۲۱). هرچند در سده‌ی چهارم ق.م اهمیت بیش‌تری یافت (ص ۱۲۳).

نویسنده فصل آخر را در هشت بخش به «آرایش سپاه» اختصاص داده